

## معرفی

**کانون دیده بانان زمین**

کانون دیده‌بانان زمین یکی از فعال‌ترین تشکل های زیست‌محیطی در کشور است که از تاریخ ۱۶/۸/۸۱ با شماره ثبت ۴۱۹۷۴ و فعالیت رسمی خود را آغاز کرده است. در سایت رسمی این کانون می‌خوانیم:

کانون دیده‌بانان زمین تشکلی غیردولتی، زیست‌محیطی و غیرانتفاعی در ایران است که با هدف



اطلاع‌رسانی جهت کاهش معضلات زیست‌محیطی و حفظ میراث زمین فعالیت می‌کند. تولید و نشر اخبار زیست‌محیطی، برگزاری سفرهای تحقیقی – خبری، انتشار نشریات آموزشی و برگزاری گشت‌های علمی – آموزشی از جمله راه‌هایی است که این تشکل برای اطلاع‌رسانی از آنها استفاده می‌کند.

طیف مخاطبان دیده‌بانان زمین، اقشار مختلف از توده مردم گرفته تا بالاترین سطوح تصمیم‌گیری را دربر می‌گیرد.

یکی از مهمترین فعالیت‌های کانون انتشار خبرنامه و وب‌سایت اطلاع‌رسانی است که تحت عنوان دیده‌کانون دیده‌بانان زمین www.earthwatchers.org و www.earthwatchers.ir منتشر و راه‌اندازی شده است.

دیده‌بانان زمین از طریق خبرنامه یا سایت اطلاع‌رسانی سعی دارد از طریق تولید و انتشار اخبار زیست‌محیطی و نیز گزارش‌های خبری – تحقیقی و مصاحبه در شفاف‌سازی ارزش‌ها و معضلات و تهدیدهای زیست‌محیطی کشور گام برداشته و توجه همگان را برای حفاظت از این ارزش‌ها و رفع معضلات جلب کند.

کانون دیده بانان زمین انعکاس نظرات محققان و پژوهشگران در خصوص موضوعات مطرح شده و قابل طرح یا ذکر نام آنها و همچنین انعکاس نظرات و مشکلات آوارگان زیست محیطی و سایر آسیب دیدگان از آثار و تبعات سوء زیست محیطی (با ذکر نام آنها) را جزء دستورهای کار خود قرار داده است.

## اُرس درختی که خود را می‌کشد

طبیعت ایران مملو از انواع گونه‌های جانوری و گیاهی است که هر یک از آنها ارزش‌های منحصر به فرد حیاتی بسیاری را در خود و نوع زیست خود نهان دارد. اما از آنجا که به نظر می‌رسد در عصر آهن و تکنولوژی این موجودات ارزشمند مورد بی‌مهری‌های زیادی قرار گرفته‌اند، از این هفته یکی از گونه‌ها را معرفی می‌کنیم تا شاید اگر روزی آن را دیدید، به تیر خشم و کین یا توسعه خود آنها را ناپود نکنید.
ارس یا سرو کوهی که در اصطلاح محلی «ول» نامیده می‌شود یکی از چهارگونه سوزنی‌برگان بومی ایران است که در ارتفاعات بالای ۲ هزار و ۵۰۰متری



در بین صخره‌ها می‌روید. درختی مخروطی‌شکل با ارتفاعی حدود ۱۵ متر که بیشتر از هر شاخصه دیگری به دلیل تنها بودن خود مورد علاقه طبیعت‌دوستان است. ارس علاوه بر ارزش بسیار خود در حفظ اکوسیستم محل زندگی خود، شاخص‌هایی دارد که گاه باعث محبوبیت و تقدس در بین مردم نیز می‌شود. درخت ارس باجگان در شهرستان بافق یکی از این موارد است.

این درخت که عمر طولانی دارد، به دلیل ترشح نوعی مواد بزنتی یا آراماتیک (ترکیبات آل‌کالوئیدی) که درجه اشتعال بالای دارد، با وزش باد و سایش ساقه‌ها روی هم آتش می‌گیرد و از بین می‌رود.

از این رو مردم محلی معتقدند این درخت خود را می‌کشد. طی روزها و شب‌های پاییزی که باد در منطقه شدید است، نور روشنی که این درخت در آن می‌سوزد در نقاطی از ارتفاعات کوه که امکان حضور انسان در آن ممکن نیست، به چشم می‌خورد.

این درخت مقاومت زیادی نسبت به حشرات چوب‌خوار دارد و رطوبت تأثیری بر آن نمی‌گذارد، بوی حاصل از درخت ارس باعث فرار مار، عقرب و حشرات گزنده می‌شود.

ارس در خاک‌های جوان و تکامل‌نیافته رویش دارد و زادآوری آن با بذر کم است. درخت ارس درختی غیرمثمر از خانواده سوزنی‌با برگ‌هایی دارای طول عمر زیاد و سازگار با نقاط سنگلاخی و مرتفع است. با

اینکه در تمام طول سال سبز است اما به دلیل رویشگاه

آن دارای عملیات نگهداری و حفاظت بسیار مشکلی

است. ناحیه هیرکانی (خرزی) و ناحیه ایرانی تورانی

از جمله مهم‌ترین رویشگاه‌های ارس است که

متأسفانه طی این سال‌ها به دلایل زیادی از جمله

راه‌سازی و سدسازی در معرض خطر قرار دارد.

پیشگامان توسعه این روزها بدون درنظر گرفتن

ارزش تاریخی و طبیعی این درخت و منابعی از این

دست، آگاهانه یا ناآگاهانه در صدد نابودی آنها

هستند.

درپی آغاز سهمیه‌بندی بنزین بخش‌های مختلفی از جامعه تحت‌تأثیر این ماجرا روند طبیعی خود را از

دست داده و دچار تنش‌هایی شده‌اند

که به نظر می‌رسد این تنش‌ها با پایان

سهمیه ۴ ماهه هر ماشین به اوج خود

برسد. یکی از این بخش‌ها که اتفاقاً

مورد توجه ویژه‌یی قرار گرفته بخش

گردشگری است؛ بخشی که پیش از

این قرار بود جایگزین صنعت نفت

شود و وظیفه تأمین منابع مالی کشور

را به گردن بگیرد. اما با آغاز

سهمیه‌بندی در اوایل تیرماه بسیاری از

برنامه‌های کوتاه‌مدت این بخش که در

پیشانی آن تورگردان‌ها دیده می‌شوند،

به هم خورد. اعلام‌شبهانه سهمیه‌بندی

و اجرای آن باعث سرگردانی بسیاری

از تورها و مسافرهای شخصی و

گروهی در نقاط مختلف کشور شد.

به طوری که در حال حاضر بسیاری از

تورهای در حال اجرا تا سقف ۱۰۰۰

تومان نیز به دنبال بنزین نداشتند تا بتوانند

مسافرانی را که با خود به همراه دارند به

سلامت به مبدا بازگردانده و تور خود

را به اتمام برسانند. این در حالی است

که به دلیل گرایش گردشگران میانسال

به بالا در دسته‌های یک یا دو نفری

برای سفر در ایران، برای هر یک از آنها

یک ماشین در نظر گرفته می‌شود. البته در این مورد هم آمار

مستندی در دست نیست اما گفت‌وگو با بسیاری از

آژانس‌داران که در امر تورهای ورودی فعالیت می‌کنند در

حال حاضر تعداد گردشگرانی که در ایران به سر می‌برند

آقدر هست که برای حل مساله بنزین ماشین آنها اقدام

سریعی کرد.

امیر اربابان دبیر و موسس جامعه راهنمایان ایرانگردی

در همین راستا از ارسال نامه‌یی به معاونت گردشگری و

ریاست سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری

خبر می‌دهد که در آن درخواست شده برای حل مشکل

تورگردان‌ها سهمیه‌یی جدا در نظر گرفته شود تا بتوانند مانع

از بروز مشکلات بیشتر شوند.

به گفته او این روزها که تمام کشورهای غربی درصددند

تا به بهانه‌های مختلف تبلیغات منفی خود را به افکار عمومی

جهان تحمیل کنند نباید فرصت سوءاستفاده و ناهنجاری را

به آنها داد. یک راهنمای تور به عنوان سفیر کشور خود از

میهناتان خارجی پلنمایی می‌کند و رسالت سنگینی در تغییر

نگاه او دارد. از این رو باید در انجام چنین طرح‌هایی نقش

و جایگاه شغلی و حرفه‌یی این بخش مورد توجه ویژه قرار

بگیرد.

به گفته او وقتی تمام دولت در تلاش است تا چهره واقعی

ایران را به جهانیان نشان دهد نباید از راهنمایان تور که در

نوک پیکان تبلیغاتی گردشگری نستسته‌اند غافل شد.

حمایت از آنها هم شیوه‌های گوناگونی دارد که یکی از آنها

در شرایط فعلی ایجاد بستر و زمینه‌یی برای ادامه حیات

پگیری کرده و واکنش نشان دهند؟

با توجه به شرایط کنونی زندگی، تنها راهی که می‌توان

مردم را به موضوع محیط‌زیست علاقه‌مند کرد این است که

به مردم فهمناد مساله محیط‌زیست یکی از اصلی‌ترین ارکان

زندگی آنها است و جدا از زندگی روزمره آنها نیست. در

این راه یکی از عوامل ایجاد حساسیت از طرف مردم روی

مسائل محیط‌زیست عامل «آموزش» است.

در دوره‌یی که رسانه‌های مختلف یک فرد را احاطه

کرده‌اند آموزش از طریق رسانه‌های گوناگون بسیار اثربخش

خواهد بود. البته این آموزش باید کاملاً روان‌شناخته و مبتنی

بر روش‌های علمی جدید باشد، چون روش‌هایی همچون

خبر، نصیحت و دستور به هیچ وجه دیگر جواب نخواهد

داد. آموزش اگر به صورت مدون و مستمر باشد به تدریج

سوال‌هایی را در ذهن مخاطبان ایجاد خواهد کرد. یکی از

این سوالات این خواهد بود؛ (محیط‌زیست که مساله بسیار

مهمی است چگونه و از چه طریقی حفظ می‌شود و چه

ساز و کاری دارد و چه نهادی مسول آن کار است؟ با توجه

به محیط‌زیست گریبان مردم را خواهد گرفت. با درک

خطرات و ضررهایی که عدم توجه به محیط‌زیست پیش

خواهد آورد مردم با شناخت کامل ضرورت‌های حوزه

محیط‌زیست روی این مساله حساس خواهند شد و

دیگر مسائل مربوط به محیط‌زیست را جدا از مسائل

زندگی خود نخواهند دانست.

به نظر شما در زمینه آموزش باید روی چه مسائلی تمرکز

کرد و اصولاً از چه دری وارد شد که بیشترین اثربخشی را

داشته باشد؟

در اولین قدم تمرکز روی اولویت‌های ضروری مسائل

محیط‌زیست باید باشد. این مسائل در بعد خردتر مربوط

به اشخاص می‌شود. یعنی مسائل کلان محیط‌زیست کمتر

به طور مستقیم با خود مردم به صورت تک به تک در ارتباط

است. بنابراین فرصت فرهنگ‌سازی را نباید از دست

آژانس‌ها در پی سهمیه سفر

# با این بنزین گردشگری تعطیل است

کیهان بهروز



عکس: میلای پامی

گروهی ترغیب کنند که در این صورت سهمیه‌بندی بنزین علاوه بر صرفه‌جویی ناخواسته باعث کاهش ترافیک، کاهش آلودگی محیط زیست می‌شود.

سیروس اعتمادی مدیر آژانس کاروان صحرا نیز با تأیید این مطالب می‌گوید: در حال حاضر بسیاری از آژانس‌های فعال در برگزاری تورهای ورودی با مشکل ادامه خدمات خود مواجهند. به طوری که همین دیروز نزدیک به ده‌ها گروه مختلف از گردشگران خارجی که توسط راهنمایان تور در شهرهای مختلف ایران بوده‌اند به دلیل نایفتن بنزین از برنامه خود عقب مانده و ادعای خسارت می‌کنند. به گفته او هم تقبل خسارت مالی در قبال چنین ناهماهنگی کوچک‌ترین هزینه‌یی است که می‌توان به آن فکر کرد. وقتی گردشگران به محض ورود به کشور خود درصدد تعریف و تهاذ تحریف مسائلی از جمله کمبود بنزین خواهند شد که به یقین با هیچ‌کدام از سیاست‌های دولت همخوانی ندارد.

**راهکارهای فراموش‌شده**

بر کسی پوشیده نیست که دفاتر خدمات مسافرتی به عنوان ورتین‌ترین ایران در کشورهای خارجی درصددند تا نگاه

جهانیان را به ایران معطوف کنند. با این حال معلوم نیست چرا در طرحی مانند سهمیه‌بندی بنزین این بخش از جامعه از گودنظرخواهی و کارشناسی بیرون می‌ماند. طبیعی است که در سهمیه‌بندی‌های مشاغلی که نیاز بیشتری به بنزین دارند از سهمیه و نگاه ویژه‌تری بهره‌مند می‌شوند اما در کشور و با اجرای این طرح اینگونه می‌آید که هرگز چنین نگاه ویژه‌یی وجود نداشته است. که اگر غیر از این بود یک هفته پس از

## مانی طالبی استاد دانشگاه و کارشناس محیط‌زیست

# مردم باید به محیط‌زیست حساس شوند

فرخ نیکمانی

می‌کند، چیست؟

به هم خوردن تعادل بین میزان استفاده از منابع برای هر فرد، تعداد جمعیت و آلودگی حاصله از استفاده از یک منبع. امروزه یکی از بزرگ‌ترین خطرات ساخت‌وساز غیرعلمی و در نظر گرفتن سود و سیاست لحظه‌یی در زمینه ساختن شهرک‌ها و شهرهای اقماری در اطراف شهرهای بزرگ است. منابع آب، برق، جاده‌های ارتباطی، دفع زباله، از بین رفتن گونه‌های بومی جانوران و گیهان، ایجاد سد در مقابل تصفیه هوا، مضعاف شدن گازهایی چون نمکسید کربن و . . . از مسائل عمده محیط‌زیست در زمینه ساختن بی‌رویه و تجمع و انباشت جمعیت در اطراف شهرهای بزرگ است. با ساختن این شهرک‌ها به صورت غیرعلمی و با در نظر نگرفتن مسائل زیست‌محیطی ضرر غیرقابل جبرانی بر شهر اصلی و خود این شهرک‌ها خواهد خورد. از دیگر مسائل عمده محیط‌زیست امروزه

مصرف منابع زیرزمینی آب به صورت غیرعلمی است که باعث خشکسالی تدریجی در منبع اصلی شده و در عرض چند سال می‌بینیم اکوسیستمی که وابسته به آب و رطوبت بوده است اکنون به نم‌کزار و بیابان تبدیل شده است.

قطع درختان جنگلی و استفاده زمین‌ها برای ساخت و ساز مسکن یا کشاورزی، ریختن پساب‌های صنعتی به رودخانه‌ها، داخل شدن آب‌های کشاورزی به رودخانه‌ها، جدی نگرفتن بحث بیابان‌زدایی، عدم توجه به سلامت مربوط به محیط‌زیست دقیقه ۹۰، در اکثر مواقع یعنی فاجعه‌یی که نباید رخ می‌داده، اما اتفاق افتاده و فریب کمی برای جبران داریم. هرگاه مردم، محیط‌زیست را از خودشان بداندند و بدانند که چه تأثیر عمیق و گسترده‌یی روی زندگی آنها دارد توجه‌ها به سوی محیط‌زندگی جلب می‌شود

و وقتی مردم از مسوولان بخوانند که با توجه به این مساله پاسدار محیط‌زندگی آنان باشند جو پاسخگویی به وجود خواهد آمد و کار به صورت جدی پیگیری خواهد شد.

**عمده‌ترین خطراتی که امروزه محیط‌زیست را تهدید**

اجرای طرح تورگردان‌ها با وضعیتیی مستاصل به دنبال دریافت بنزین یا هر سهمیه و تسهیلات دیگری زاهرهای

سازمان میراث فرهنگی را گز

نمی‌کردند.

اربابان می‌گویند: اولین انتظار در انجام چنین طرح‌هایی هماهنگی است. وقتی وجهه بین‌المللی کشور با کوچک‌ترین مسائلی در خطر است نباید شرایطی را فراهم کرد که صدای اعتراض مردم بلند شود. وقتی ما در تلاشیم تا به مردم بگویم سفر پدیده‌این هزاره است و هر کسی می‌تواند با قرار گرفتن در چرخه آن از سود مالی و معنوی آن بهره‌مند شود نباید خودمان در شرایطی قرار بگیریم که قید برگزاری تور را بنزیم. پس حکایت سفرهای ارزان و گسروه‌یی بسا این‌همه سرمایه‌گذاری و تبلیغات چه می‌شود.

ما به عنوان برنامه‌ریزان سفر قادر نیستیم برنامه سه‌ماهی را برای تورهای خود ببندیم، پس چگونه انتظار داریم مردم صاحب فرهنگ برنامه‌ریزی در سفر شوند.

اربابان اختصاص سهمیه یا بنزین جایگزین را منطقی‌ترین راه برای ادامه فعالیت تورگردان‌ها می‌داند. باید پیش از اینکه کار به اینجا می‌رسید بنزین

جایگزین یا سهمیه مناسب در نظر گرفته می‌شد یا این حال هنوز هم دیر نیست و دولت باید با ارائه تسهیلات امکان فعالیت درخور و مثبت تورگردان‌ها را فراهم کند. تورگردانی ارتباط مستقیمی با مخدوش کردن یا جلوه‌بخشیدن به چهره بین‌المللی کشور دارد پس نباید راه را برای مخدوش شدن هموار کرد. او به عنوان نماینده راهنمایان تور درخواست می‌کند که وقتی قانونی قرار است در کشور اجرا شود، ابزار اجرایی آن هم مورد مطالعه قرار گیرد. همانطور که وضع قانون کار کارشناسی می‌خواهد، اجرای آن هم نیاز به نگرشی جامع، همه‌جانبه و کارشناسی دارد. اگر قرار است مردم طرحی را قبول کنند باید به حدی گسترده و درست عمل شود که کسی از گذر این طرح نگران و ناراحت نشود. وقتی پیشنهادی مانند سهمیه‌بندی بنزین داده می‌شود مسوولیتی پشت آن پدید می‌آید که طراح باید آن را بپذیرد. اما به نظر می‌رسد در شرایط فعلی حاشیه‌های این طرح آقدر گسترده

پیشنهادی مانند سهمیه‌بندی بنزین داده می‌شود مسوولیتی بر عهده بگیرد. سیروس اعتمادی هم افزایش سهمیه بنزین را اقدامی منطقی برای ادامه فعالیت تورگردان‌ها می‌داند.

بزرگ شده که کسی حاضر نیست مسوولیت کامل آن را برعهده بگیرد. سیروس اعتمادی هم افزایش سهمیه بنزین را اقدامی منطقی برای ادامه فعالیت تورگردان‌ها می‌داند. به گفته او بهتر است قبل از برگزاری تور، شرایط فراهم شود تا نسبت به نیاز آن تور سوخت در اختیار آژانس قرار بگیرد. وی در ادامه می‌گوید: اگر قرار باشد قیمت بنزین یا تهیه آن آقدر گران تمام شود که قید جذب گردشگران سفرهای تک نفره یا دوفنره زده شود، اختلالی اساسی در صنعت گردشگری به وجود می‌آید که برای ایران که در ابتدای راه است نتایج خوب و مثبتی به همراه نخواه داشت.

است. زباله‌هایی که در طبیعت بیش از ۴۰۰ سال باقی می‌مانند. همه ما با منظره بسیار زنده و زشت انبوه بطری‌های پلاستیکی و ظروف یکبار مصرف در طبیعت مواجه شده‌ایم، یکی از راهکارهای جلوگیری از این کار شناسایی محل‌های رفت و آمد انبوه مردم و ایجاد امکانات مناسب و بهداشتی است مانند تعبیه سطل‌های زباله به اندازه کافی، ساخت سرویس‌های بهداشتی، وجود ماموران بهداشت در این محل‌ها و پخش کیسه زباله رایگان نیز از دیگر راهکارها است. گرفتن مالیات و هزینه‌از تولیدکنندگان محصولات یکبار مصرف و ظروف نوشابه

و کارخانه‌های بزرگ ذی ربط برای جبران خسارت‌هایی که توسط این محصولات به طبیعت می‌می‌شود یکی کارساز خواهد بود. همچنین توجه ویژه به NGOهای برای پاکسازی طبیعت قطعاً موثر خواهد بود. به هر حال در آخر این خود مردم هستند که با رعایت و عدم پخش زباله می‌توانند محیط طبیعت را پاک و زمینه استفاده خود و دیگران و نسل‌های آینده را فراهم کنند.

**و حرف آخر؟**

حرف آخر اینکه فارغ‌التحصیلان مراکز آکادمیک می‌توانند با یک مدیریت صحیح و حساب شده وضعیت نابسامان محیط‌زیست را سامان بخشند. همچنین می‌توانند نیروی جوانی در پیکره محیط‌زیست کشورمان تزریق کنند ولی متأسفانه عدم مدیریت صحیح و ایجاد انگیزه و جدی نگرفتن محیط‌زیست باعث شده است که این نیروهای تازه نفس، کارآمد، جوان و متخصص کاملاً از یاد بروند. در حال حاضر قریب به ۸۵ درصد فارغ‌التحصیلان رشته محیط‌زیست کشور بعد از دانشگاه به کارهای متفرقه دست می‌زنند یا یکبار هستند. عدم توجه بلندمدت به مسائل محیط‌زیست و توجه هیجان زده و بدون مدیریت به یک مساله باعث شده کنترل مطلوب و مناسبی روی حفظ، نگهداری و بازسازی محیط‌زیست آن‌ها نباشد و وجود نداشته باشد. در این رهگذر درک نقش مردم از طرف خود

مردم باعث ایجاد انگیزه در کل جامعه و به تبع آن جدی گرفتن این مسائل از طرف مسوولان محیط‌زیست کشور خواهد شد که در نتیجه منجر به سیاست‌گذاری‌های جدی از طرف دولت خواهد شد. مردم عزیز ایران نشان داده‌اند که هرگاه خطری یکی از اجزای میهن را تهدید می‌کند نفس، کارآمد، جوان و متخصص کاملاً از یاد بروند. در

حال حاضر قریب به ۸۵ درصد فارغ‌التحصیلان رشته محیط‌زیست کشور بعد از دانشگاه به کارهای متفرقه دست می‌زنند یا یکبار هستند. عدم توجه بلندمدت به مسائل محیط‌زیست و توجه هیجان زده و بدون مدیریت به یک مساله باعث شده کنترل مطلوب و مناسبی روی حفظ، نگهداری و بازسازی محیط‌زیست آن‌ها نباشد و وجود نداشته باشد. در این رهگذر درک نقش مردم از طرف خود مردم باعث ایجاد انگیزه در کل جامعه و به تبع آن جدی گرفتن این مسائل از طرف مسوولان محیط‌زیست کشور خواهد شد که در نتیجه منجر به سیاست‌گذاری‌های جدی از طرف دولت خواهد شد. مردم عزیز ایران نشان داده‌اند که هرگاه خطری یکی از اجزای میهن را تهدید می‌کند تمامی تلاش خود را برای رفع مشکل و خطر به کار می‌بندند. در این زمان نیز وقت آن رسیده که توجه و همت و حساسیت مردم معطوف به مساله محیط‌زیست شود، تا خدای ناخواسته این مساله به مساله غیرقابل حل و بحرانی تبدیل نشود و محیط‌زیست هیچ فردی و محیط‌زیست کشور را به عیب هیچ مشکل و کمبودی به دست نسل‌های پر امید آینده برسد.

## یادداشت

**به بهانه یک سالگی کوچ محیط‌بان شماره یک میانکاله**

## متوزعان غریبه نیستند

**پنهان همایونی**

یک سال پیش در این ساعات فرقی نمی‌کرد که شاهکومحله مرد شماره یک میانکاله است یا نه، مهم این بود که او در مظلومیت تمام سینه و سر خود را به کین گلوله‌یی سپرد که ماشه‌اش را نه یک نفر که یک جریان چکانده بود.

جریانی که همیشه سایه‌اش را بر عرصه‌های طبیعی و سودآور این سرزمین تحمیل کرده تا از هر روزنی که می‌تواند، بازی را به نفع خود تمام کند. با اینکه همیشه همه چیز به نام سیاست و پرده‌ها و پشت پرده‌هایش تمام می‌شود اما سال‌ها است کام پرده‌نشینان منابع طبیعی ایران بی‌آنکه نامی از آنها در میان باشد به بهانه‌های مختلف شیرین می‌شود و گاه و بی‌گاه فقط با کشته شدن شاهکومحله و پیروی و مومنی کمی نگرانی به وجود می‌آید که آن هم با سیاست معنی دار سکوت به خیر و خوشی ختم می‌شود؛ سیاست معنی داری که پیش از این تصور می‌شد به دلیل ناآگاهی است که مساله فراتر از اینها است.

گوشه گوشه این سرزمین پر از مومنی‌ها، شاهکو محله‌ها محله‌ها، پیروی‌ها، عموزاده‌ها و بسیاری دیگر از مردانی است که هر روز منتظریم تا خبر مرگ شان را با عباراتی سوزناک و تاثرانگیز ثبت کنیم.

البته باید یادآور شد مرثیه‌سرایی ما برای محیط‌بانان این سرزمین چند ماهی است دچار کسادی شده و بازاری ندارد که کاش این کسادی همیشه دوام داشته باشد. اما مهم این است که هر از چندگاهی در یکی از دور افتاده‌ترین یا نزدیکترین نقاط کشور صدای گلوله‌یی در کوه می‌پیچد تا باز گوش‌ها تیز عکس‌العمل مسوولان باشد. هیچ‌جایی که در زاهرهای پیچیده و امنیتی سازمان محیط‌زیست چنان فروکش می‌کند که گویی هیچ‌گاه نبوده است.

بر هیچ‌سک پوشیده نیست بسیاری از روابط اجتماعی و حتی فرهنگی امروز تحت الشعاع رابطه محکم‌تر و ارزشمندتر! دیگران به نام روابط اقتصادی و به عبارتی بده‌بستان‌ها است. این نوع از رابطه‌نتا به حال قربانبیاین زیادی گرفته‌است. ضعف‌های مدیریتی در تبدیل و تغییر روابط انسان‌ها به آنچه قانون فرمایش می‌دهد در هر حوزه بی‌شیوه و شکل نمایانگری خود را دارد.

پیش از این فکر می‌کردیم عامل کشتار محیط‌بان‌ها، فقر است، گرسنگی است، ناداری و بیچارگی است که اگر این‌گونه بود تا به حال باید جنگی خونین میان کومه‌نشینان، جنگل‌نشینان، عشایر و . . . و حافظان و ضابطان بی‌منت کشور در می‌گرفت. اما قصه، جور دیگری هم نوشته می‌شود. در سرزمین ما محیط‌بان به دست کسانی کشته می‌شود که هزارها بار بیشتر از او طعم زندگی را چشیده‌اند.

محیط‌بان به دست کسانی کشته می‌شود که بیشتر از هر کسی می‌دانند او چه وظیفه خطیر و حساسی دارد. اما وقتی بی‌قانونی چنان فضا را در می‌گیرد که گرسنه و سیر هر دو با یک عمل اما نیت‌های متفاوت در یک صیف قرار می‌گیرند نمی‌توان صواب را از ناصواب تشخیص داد.

تفریح، لذت، گردش و حتی سلیقه می‌تواند باعث مرگ هر محیط‌بان دیگری بشود. البته این روزها که سوخت سهمیه‌بندی شده و بسیاری دیگر توان بیرون آوردن نان از زیر سنگ مسافرکشی را ندارند ممکن است تعرض و تعدای به منابع طبیعی کشور بیشتر و بیشتر شود. آقدر بیشتر که یگان‌گارد حفاظت از محیط‌زیست در شرف فعالیت رسمی به یکی از پرکارترین نهادها تبدیل شود.

سخت‌گیرید، اگر فکر می‌کنید مساله بنزین و نفت و گرسنگی و برابری دینه زن و مرد، بیکاری و ازدواج همسر از پرداختن به حدیث تکراری چند درخت و چند جابه‌و بی‌فایده است، نگاه اشتباه کوتاه‌فکران را تکرار می‌کنید.

این نوشته مجال ریشه‌یابی دلیل تعرض به محیط زیست و تخریب جنگل‌ها به بهانه راهسازی، شهرک‌سازی و توسعه نیست اما اگر پای فلسفه وجودی هر خلقتی را به میان آورید می‌توانید در کمترین زمان ممکن به این مهم معتقد شوید که پرداختن به مساله سد سیوند و قطع هزاران درخت یا تولید میلیونی زباله به اندازه ازدواج و حتی بیشتر از آن اهمیت دارد.

با این حال در برخورد با چنین مقولاتی نباید پای بینواییانی مانند جنگل‌نشینان باز شود که آنها تمام آنها هرگز قدرت دریافت سند برای ده‌ها هزار هکتار از عرصه‌های طبیعی یا شکار تزیجرییی آهو و هوربه نداشته و نخواهند داشت. مدیریت کلان محیط زیست در ابتدای دوره تلفات زیادی در تصمیم‌گیری و سیاستگذاری‌های خود داشت.

تغییر دوره‌یی مدیران، جابه‌جایی نیروها و اتفاقات دیگری که نشان می‌داد این روابط بیش از پیش به نوک هرم سازمان نزدیک شده‌اند. اما خبر خوش این است که گویی با رشد روز افزون توسعه، نگرانی‌ها هم بیشتر شده و سازمان و NGO در تلاشند حتی با جابه‌و هم که شده متعرضان را فراری دهند اما کاش اگر در بسته می‌شود گوشه پنجره باز نماند که اینها غریبه نیستند.

سازمان‌با تغییرات خود به نظر می‌رسد راه جدیدی را در برخورد با عوامل ریشه‌یی و پنهان تعرض به طبیعت آغاز کرده که امیدواریم این مهم به هیچ‌بهانه‌یی مانند نسبت فایده‌ای با مصلحت‌اندیشی ارزش خود را از دست ندهد.

<sup>[1]</sup> به بهانه یک سالگی کوچ محیط‌بان شماره یک میانکاله

<sup>[2]</sup> به بهانه یک سالگی کوچ محیط‌بان شماره